ایران
دوشنبه ۲۶مرداد ۱۴۰۵ شماره ۷۲۸۹ سال بیست و نهم

عقب نشینی قدم به قدم ترامپ مقابل ایران



دولت دونالد ترامپ در تلاش برای پایان دادن به جنگ ایران، به‌تدریج از اهداف اولیه و حداکثری خود فاصله گرفته است؛ اهدافی که در آغاز شامل تسلیم کامل ایران، تغییر نظام سیاسی، جلوگیری دائمی از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای و پایان حمایت ایران از گروه‌های نیابتی در خاورمیانه، از جمله حزب‌الله، بود.

طبق گزارش سی‌ان‌ان، با طولانی شدن جنگ و ورود آن به ششمین ماه، فهرست اهداف دولت آمریکا به شکل محسوسی تغییر کرده و محدودتر شده است. اظهارات اخیر جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، تازه‌ترین نشانه از احتمال پذیرش یک توافق محدودتر از سوی دولت ترامپ است.

ونس روز پنجشنبه در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز، در پاسخ به این پرسش که جنگ چگونه ممکن است پایان یابد، تنها دو هدف را مطرح کرد. او گفت نخستین هدف، ادامه ارسال نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج فارس به بازارهای جهانی برای حفظ ثبات قیمت انرژی و پایین نگه داشتن قیمت نفت و گاز برای آمریکایی‌هاست. به گفته او، هدف دوم این است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند.

این اظهارات با فهرست اهداف قبلی دولت ترامپ تفاوت قابل توجهی دارد؛ به‌ویژه آنکه ونس حفظ قیمت پایین انرژی را در جایگاه نخست قرار داد. کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، روز جمعه در واکنش به این اظهارات گفت که از نظر رئیس‌جمهور، هر دو هدف اهمیت یکسانی دارند.

با این حال، دولت ترامپ پیش از این بارها تأکید کرده بود که جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مهم‌ترین نگرانی واشنگتن است. ترامپ حتی در ماه مه، زمانی که از او درباره تأثیر جنگ بر وضعیت مالی آمریکایی‌ها پرسیده شد، پاسخ داده بود که این موضوع «حتی ذره‌ای» برای او اهمیت ندارد و نشان داده بود که مسئله هسته‌ای ایران آن‌قدر مهم است که سایر ملاحظات را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

ترامپ روز جمعه نیز گفت حاضر نیست به دلیل افزایش اندک قیمت بنزین برای آمریکایی‌ها عذرخواهی کند، زیرا به گفته او، اهمیت تحولات مربوط به ایران بیشتر از این هزینه‌هاست.

دولت ترامپ از ابتدای جنگ نیز فهرست ثابتی از اهداف نداشته است. در مقاطع مختلف، مقام‌های آمریکایی از چهار هدف متفاوت سخن گفته‌اند. برخی از این فهرست‌ها شامل پایان حمایت ایران از گروه‌های نیابتی، نابودی زیرساخت‌های موشکی و از بین بردن نیروی هوایی و دریایی ایران بوده‌اند، در حالی که برخی دیگر این موارد را کنار گذاشته‌اند.

اما در هیچ‌یک از فهرست‌های قبلی، پایین نگه داشتن قیمت نفت و گاز در آمریکا به‌عنوان یکی از اهداف جنگ مطرح نشده بود. از این منظر، اظهارات جدید ونس می‌تواند نشانه دیگری از تلاش دولت ترامپ برای کاهش سطح خواسته‌های خود و فراهم کردن زمینه برای پایان جنگ باشد.

این تغییر رویکرد در ماه‌های گذشته نیز به‌تدریج آشکار شده است. از ماه مه، دولت آمریکا دیگر [illegible] نمی‌کرد. در روزن نیز دولت ترامپ و ایران وارد یک تفاهم‌نامه شدند که در آن اشاره چندانی به برخی از اهداف محوری قبلی آمریکا نشده بود.ترامپ همچنین طی بیش از دو ماه گذشته مواضعی مطرح کرده که نشان می‌دهد ممکن است از برخی خواسته‌های سخت‌گیرانه هسته‌ای خود عقب‌نشینی کند. در حالی که دولت آمریکا پیش‌تر خواستار تحویل اورانیوم غنی‌شده ایران بود، ترامپ بعدها گفت شاید آسیب واردشده به برنامه هسته‌ای ایران کافی بوده باشد و مواد هسته‌ای این کشور نیز آن‌قدر در اعماق زمین دفن شده باشند که دسترسی به آنها ممکن نباشد.

او حتی گفته است آمریکا می‌تواند از طریق نظارت ماهواره‌ای اطمینان حاصل کند که ایران برای بازیابی این مواد تلاش نمی‌کند. ترامپ در مقطعی نیز مدعی شد که ایران «همین حالا» خلع سلاح هسته‌ای شده است.

در مجموع، مواضع اخیر دولت ترامپ نشان می‌دهد واشنگتن ممکن است خود را برای پایان دادن به جنگ با دستاوردی بسیار محدودتر از اهداف اولیه آماده کند. اگر بازگشت به شرایط پیش از جنگ، یعنی بازگشت جریان نفت و گاز و ثبات قیمت انرژی، اکنون به یکی از اهداف اصلی دولت آمریکا تبدیل شده باشد، این مسئله نشان می‌دهد جنگی که ترامپ با اهداف بسیار گسترده آغاز کرد، تا چه اندازه از خواسته‌های اولیه خود فاصله گرفته است.

جزئیات اختلافات جی‌دی ونس و تیم ترامپ بر سر جنگ ایران

PDF Compressor Free Version

درحالیکه جنگ ایران و آمریکا وارد ششمین ماه خود شده است، فهرست اهداف آمریکا به‌طور آشکاری تغییر کرده و محدودتر شده است.آرون بلک، تحلیلگر سی ان ان، در یادداشتی نوشت: «جی‌دی ونس و تیم ترامپ همچنان در قبال ایران، معیارها و اهداف را تغییر می‌دهند.»

به گزارش از سی ان ان، وی در این یادداشت خاطرنشان کرد: «یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دولت ترامپ برای بیرون کشیدن خود از مناقشه با ایران، فهرست اهداف بسیار سخت‌گیرانه و مطلق‌گرایانه‌ای است که دونالد ترامپ و تیمش تعیین کرده بودند.

این اهداف شامل تسلیم کامل ایران، تغییر رژیم، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و پایان دادن به حمایت تهران از گروه‌های نیابتی‌اش در خاورمیانه (مانند حزب‌الله) بود.

درحالیکه جنگ ایران و آمریکا وارد ششمین ماه خود شده است، فهرست اهداف آمریکا به‌طور آشکاری تغییر کرده و محدودتر شده است. به نظر می‌رسد جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، اخیراً این اهداف را به شکلی قابل‌توجه تعدیل کرده است؛ اقدامی که جدیدترین نشانه از احتمال آمادگی دولت برای پذیرش شرایطی کمتر و شاید حتی بسیار کمتر از اهداف اولیه است.»

بلک همچنین یادآور شد: «ونس روز پنج‌شنبه در برنامه فاکس‌نیوز، در پاسخ به پرسشی درباره چگونگی پایان یافتن این مناقشه، دو هدف را مطرح کرد.

او گفت: «هدف، تضمین تداوم عرضه نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج [فارس] به اقتصاد جهانی است تا ثبات قیمت انرژی حفظ شود.» و افزود: «این هدف اول است: ارزان نگه داشتن نفت و گاز برای آمریکایی‌ها در سراسر کشور.»

او در ادامه افزود: «و سپس، بدیهی است که هدف دوم، تضمین این نکته است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نیابد.»

این فهرستِ اهدافِ پیشینِ دولت آمریکا نیست؛ و اولویتی که ونس برایِ آن‌ها قائل شده، جالب‌توجه است. روز جمعه، وقتی از کارولین لیویت، سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید، درباره اظهارات ونس سؤال شد، او تأکید کرد که «هر دو هدف برای رئیس‌جمهور به یک اندازه اهمیت دارند.» »

در ادامه این یادداشت آمده است: «دولت آمریکا تقریباً همواره جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را به عنوان دغدغه اصلی و حیاتی معرفی کرده است.

و حتی اگر در ذهن دولت، این اهداف واقعاً هم‌ارز باشند، گنجاندن موضوع قیمت نفت و گاز در فهرست اهداف و نه موارد دیگر تغییری قابل‌توجه محسوب می‌شود.

در واقع، ترامپ در ماه مه صراحتاً این موضوع را به عنوان یک هدف رد کرده بود.

او در پاسخ به این پرسش که آیا هنگام تلاش برای حل‌وفصل این مناقشه، وضعیت مالی آمریکایی‌ها را نیز در نظر می‌گیرد یا خیر، گفت: «حتی ذره‌ای هم به آن فکر نمی‌کنم.» او نشان داده بود که مسئله عاری‌سازی از سلاح هسته‌ای چنان اهمیتی دارد که هیچ عامل دیگری را در محاسبات خود دخالت نمی‌دهد.

اما نکته کلیدی اینجاست که هیچ‌یک از آن فهرست‌ها شامل پایین نگه داشتن قیمت نفت و گاز در ایالات متحده نبود.

و با توجه به اینکه تنگه هرمز پیش از آغاز جنگ باز بود، آن هدف خاص را می‌توان صرفاً به معنای بازگشت به وضعیت پیش از جنگ دانست؛ به‌طوری‌که خلع سلاح هسته‌ای تنها هدفی بود که می‌توانست دستاوردی جدید محسوب شود.

در واقع، تأکید تازه برخی اعضای دولت بر پایین بودن قیمت بنزین، جدیدترین نشانه از تعدیل اهداف به نظر می‌رسد؛ اقدامی که برای آماده‌سازی افکار عمومی جهت پایان دادن به جنگی صورت می‌گیرد که نتیجه‌اش بسیار کمتر از اهداف اولیه ترامپ خواهد بود.

تا ماه مه، مشخص شده بود که دولت دیگر قرار نیست بر برخی اهداف خاص تأکید کند.

تا ماه ژوئن، دولت ترامپ تفاهم‌نامه‌ای با ایران امضا کرد که در آن اشاره چندانی به اهداف پیشین و محوری ایالات متحده نشده بود.

و در بیش از دو ماه گذشته، ترامپ سخنانی گفته که بسیار شبیه به احتمال کاهش سطح مطالبات هسته‌ای‌اش به نظر می‌رسد.

در حالی که دولت پیش‌تر بر تحویل اورانیوم غنی‌شده ایران تأکید داشت، ترامپ اکنون از این می‌گوید که شاید آسیب کافی به برنامه هسته‌ای ایران وارد شده و مواد هسته‌ای آن‌قدر در عمق زمین دفن شده‌اند که دسترسی به آن‌ها ممکن نیست. رئیس‌جمهور همچنین صحبت از این کرده است که دولت آمریکا می‌تواند صرفاً از طریق فضا نظارت کند تا مطمئن شود ایران تلاشی برای بازیابی آن مواد نمی‌کند.

او حتی مدعی شده است که ایران همین حالا هم خلع سلاح هسته‌ای شده است.

به عبارت دیگر، لحن ترامپ بسیار شبیه کسی بود که می‌دانست شاید نتواند ایران را مرعوب کند تا توافق هسته‌ای بسیار سخت‌گیرانه‌ای را بپذیرد. اینکه دولت او قیمت‌های انرژی را «هدف شماره یک» می‌داند حتی اگر ترامپ چنین نظری نداشته باشد کاملاً با این روندِ فاصله گرفتن از اهداف صلب و مشخصی که دولت در ابتدا برای دستیابی به آن‌ها تعیین کرده بود، همخوانی دارد.

اگر بازگشت به وضعیت پیش از جنگ واقعاً در حال حاضر «هدف شماره یک» باشد، این امر گویای آن است که دستاوردهای این جنگ تا چه حد ناچیز بوده است. »

فرار خفت‌بار از افغانستان

چرا واشنگتن به شکست در جنگ عادت کرده است؟

همزمان با پنجمین سالروز فرار خفت‌بار ارتش آمریکا از افغانستان، ناظران بین المللی به بررسی عوامل شکست‌های نظامی مکرر آمریکا به ویژه در سایه بودجه های نظامی هنگفت این کشور پرداختند.

پنج سال پس از فرار نیروهای آمریکایی از افغانستان و بازگشت طالبان به قدرت (در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱) پیامدهای شکست طولانی‌ترین جنگ آمریکا بار دیگر این پرسش را مطرح کرده است که چرا قدرت نظامی برتر جهان در جنگ‌های چند دهه اخیر بارها به اهداف خود دست نیافته است.

همزمان با سالروز خروج شتاب‌زده آمریکا از افغانستان در آگوست ۲۰۲۱ این گزارش با مرور دیدگاه‌های استفان والت، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد، و بررسی روایت اکونومیست از تحولات افغانستان، به ریشه‌های شکست واشنگتن در جنگ‌های معاصر می‌پردازد؛ شکست‌هایی که بیش از آنکه ناشی از ضعف نظامی یا کمبود منابع باشد، از خطاهای راهبردی، بلندپروازی در ملت‌سازی و نادیده گرفتن انگیزه طرف مقابل برای مقاومت ناشی شده است.

استفان والت، نظریه پرداز و تحلیلگر برجسته روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد در مقاله‌ای با اشاره به شکست‌های مکرر آمریکا در جنگ‌های دهه‌های اخیر نوشت: اگر شما آمریکایی باشید، احتمالاً از باختن جنگ‌ها خسته شده‌اید؛ من هم همین‌طور. شاید از خود بپرسید: چرا این اتفاق مدام تکرار می‌شود؟ این یک معضل تکان‌دهنده است.

وی می‌افزاید با وجود اینکه آمریکا متحده طی چندین دهه با اختلافی عظیم، قدرتمندترین کشور جهان بوده و نیروی نظامی بی‌رقیبی از نظر حجم بودجه و توانمندی‌های مادی داشته، سوابقش در جنگ‌های تاریخ معاصر، شکست‌های مکرر آن را نشان می‌دهد. این فهرست شامل جنگِ کنونی با ایران نیز می‌شود؛ جنگی که تاکنونَ هیچ‌یک از اهداف دولت ترامپ را محقق نکرده و به احتمال زیاد با موقعیت استراتژیک بسیار قوی‌تری برای ایران پایان خواهد یافت.

نویسنده در ادامه مروری بر جنگ‌های معاصر ارتش آمریکا داشته و نوشت که واشنگتن در جنگ کره به بن‌بست رسید، ویتنام شکستی آشکار برای آمریکا بود، جنگ عراق در ۲۰۰۳ و جنگ بی‌پایان افغانستان نیز همین‌گونه بودند. جنگ کوزوو در ۱۹۹۹ نیز به هیچ‌وجه پیروزی قاطعی نبود و صربستان در پایان جنگ به شرایط بهتری از آنچه قبل از شروع درگیری به او پیشنهاد شده بود، دست یافت.

وی با اشاره به اینکه دلیل این شکست‌های متوالی کمبود بودجه یا استفاده متوازن از ناوگان ویرانگر نظامی موشک‌های پیشرفته نیست، افزود که دلایل واقعی ادامه شکست‌های آمریکا در جنگ‌ها ماهیتی استراتژیک و ساختاری دارد. این کشور جنگ‌های انتخابی‌ای را به راه انداخته که منافع محدود آمریکایی را با اهدافی بسیار بلندپروازانه ترکیب کرده است؛ مانند تلاش برای بازسازی جوامع خارجی بر اساس الگوی آمریکایی. نتیجه این بود که دشمنان، در بیشتر موارد، مصمم‌تر از واشنگتن به جنگیدن بوده‌اند، چرا که منافع بسیار بزرگ‌تری در پیروزی خود دارند. آن‌ها برای حفظ استقلال و امنیت خود مبارزه می‌کنند، اما آمریکا در بیشتر موارد برای تحقق اهدافی می‌جنگد که اهداف حیاتی نیستند. در چنین شرایطی طبیعی است که دشمنان بیش از آمریکا حاضر به فداکاری باشند.

این گزارش در ادامه به بررسی جنگ افغانستان پرداخت و نوشت که در افغانستان، ترکیبی از ناآگاهی، آرمان‌گرایی و اهمیت راهبردی محدود، سرانجام به شکست تلاش جنگی آمریکا انجامید. واشنگتن دلایل موجهی برای تعقیب اسامه بن‌لادن و جنبش طالبان که پیش از این که به او پناه داده بود، داشت؛ اما حفظ نیروهای آمریکایی در افغانستان به بهانه تبدیل این کشور به یک دموکراسی به سبک غربی، مقاومت شدیدی را از سوی جامعه‌ای برانگیخت که به‌حق به «گورستان امپراتوری‌ها» شهرت یافته است.

به نوشته والت، انقلابیون افغانستان در نهایت برای بیرون راندن آمریکا از کشور، عزم و انگیزه‌ای بیشتر از عزم واشنگتن برای شکست دادن آنان داشتند؛ علاوه بر اینکه می‌توان گفت اساساً شکست دادن مردم افغانستان امکان‌پذیر نبود.

این مقاله در پایان تصریح می کند که تا زمانی که خودداری از اعتراف به اشتباهات و پذیرش مسئولیت، در محافل سیاست خارجی حاکم باشد، آمریکایی‌ها باید خود را برای مواجهه با ناامیدی‌ها و شکست های بزرگ تر آماده کنند.

مجله «اکونومیست» نیز در شماره ویژه خود که به بررسی وضعیت افغانستان از زمان تصمیم جو بایدن مبنی بر خروج شتاب‌زده نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۲۱ اختصاص یافته، نوشت که تصمیم آمریکا، ناشی از خستگی افکار عمومی آمریکایی از طولانی‌ترین جنگی بود که این کشور علیه افغانستان آغاز کرده بود. لذا دونالد ترامپ جدول زمانی برای خروج تعیین کرده بود و سپس بایدن فرآیند خروج کامل را اجرا کرد.

این نشریه با اشاره به سابقه مبارزاتی طالبان در برابر اشغالگران آمریکایی در طول حضور در افغانستان نوشت که جنگجویان طالبان علیه نظم دموکراتیک ایجاد شده توسط آمریکا، جنگ چریکی راه انداختند، لذا بایدن متوجه شد که تلاش دو دهه‌ای در افغانستان به بهانه دولت‌سازی با شکستی ذلت‌بار به پایان رسیده است.

اکونومیست می‌افزاید آمریکا و اروپا تلاش کرده‌اند نظام طالبان را منزوی کنند، با عدم شناسایی رسمی با آن‌ها برخورد کرده، ذخایر بانک مرکزی افغانستان در خارج از کشور را مسدود و علیه مقامات آن تحریم‌ها اعمال کرده‌اند، اما این تلاش‌ها نتیجه نداده است. نیروهای طالبان اهمیتی به حضور دیپلمات‌ها و سرمایه‌گذاران غربی نمی‌دهند و ایدئولوژی خود را تنها برای تصاحب دارایی‌های دولت سابق تغییر نخواهند داد؛ بنابراین، کشورهای غربی باید رویکرد جدیدی را امتحان کنند.

قطر بازداشت خلبانان ایرانی را تکذیب کرد

سخنگوی وزارت خارجه قطر مدعی شد که ما ادعاهای مطرح‌شده درباره بازداشت خلبانان ایرانی را به‌طور قاطع تکذیب می‌کنیم.

سخنگوی وزارت خارجه قطر اظهارات مطرح‌شده درباره بازداشت خلبانان ایرانی را به‌طور قاطع تکذیب کرد.

وی گفت: ما ادعاهای مطرح‌شده درباره بازداشت خلبانان ایرانی را به‌طور قاطع تکذیب می‌کنیم.

از اظهارات گمراه‌کننده درباره خلبانان ایرانی، در شرایطی که تلاش‌های دیپلماتیک همچنان ادامه دارد، ابراز تعجب می‌کنیم.

تأکید می‌کنیم که پس از نقض حریم هوایی ما در ماه مارس گذشته، با خلبانان مربوطه تماس گرفتیم.

پس از تماس با خلبانان ایرانی و دریافت نکردن پاسخی از سوی آنان، اقدامات لازم را برای دفاع از سرزمین خود اتخاذ کردیم.

تیم‌های امداد و نجات قطری به جست‌وجوی بقایای خلبانان پرداختند و بقایای یکی از آنها را پیدا کردند.

با طرف ایرانی برای هماهنگی جهت تحویل بقایای یکی از خلبانان تماس گرفتیم.

طرف ایرانی به دعوت ما برای اعزام تیمی جهت اطلاع از روند عملیات جست‌وجو در ماه آوریل گذشته پاسخ نداد.

نرخ دلار در عربستان ۴۰ سال ثابت؛ در ایران ۲۷ هزار برابر شده!



محمد پارسی – روزنامه‌نگار

«نرخ دلار در عربستان ۴۰ سال است ثابت مانده
در امارات حدود ۳۰ سال است که تغییر نکرده
در قطر هم بیش از ۲۵ سال بدون تغییر بوده
و در ایران، طی ۴۷ سال، ۲۷ هزار برابر شده است!

این فقط داستان سقوط یک واحد پولی نیست؛ روایت تباه شدن عمر و زندگی چندین نسل به پای بلاهت اقلیتی نابخرد است!»

دیگه نمیتونم بیمارامو درمان کنم، بیمار اومده پیشم التماس می‌کنه دارو براش کم بنویسم میگه پول دارو ندارم،میگم چیزای مغذی بخور میگه پول خریدشونو ندارم،بیمار اومده با قند ۴۰۰ میگم کمتر برنج بخور میگه پول برنج ندارم، داروهامو ی روز درمیون می‌خورم تموم نشن،خدا دچارتون کنه به این بلایی که سر مردم آوردید.

ازتازه‌ترین آمار مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم سالانه در تیرماه ۱۴۰۵ به ٦٦ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۷.۹ درصد رسیده است. این درحالی است که تورم سالانه گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها جهش بزرگی داشته است.

با درنظرگرفتن قیمت‌های جاری بازار و یک الگوی غذایی معمول برای خانواده چهار نفره، هزینه صبحانه شامل نان، پنیر، تخم‌مرغ، شیر، چای و مقدار کمی کره حدود ۲۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود. برای ناهار، با فرض مصرف برنج، مرغ یا مقدار محدودی گوشت، روغن، سالاد، یک ظرف کوچک ماست و نوشابه، حدود ٤٥٠ هزار تومان باید هزینه کرد.

شام نیز با ترکیبی از نان، تخم‌مرغ یا حبوبات، ماست و سبزیجات حدود ۲۸۰ هزار تومان هزینه دارد. بر این اساس، هزینه سه وعده اصلی برای یک خانواده چهار نفره حدود ۹۳۰ هزار تومان در روز و نزدیک به ۲۸ میلیون تومان در ماه می‌شود که با افزودن میوه، چای، قند، تنقلات و سایر خوراکی‌های روزمره، رقم ماهانه می‌تواند به حدود ۳۰ میلیون تومان برسد. این رقم برآوردی است و با تغییر نوع و کیفیت خوراکی ها، قیمت ها می تواند به‌طور محسوسی تغییر کند. اما بصورت متوسط همان رقم ۲۸ میلیون تومان در ماه بسیار نزدیک به واقعیت است.

دعوای هسته‌ای با آمریکا در ایران حل نخواهد شد

یاشار سلطانی – روزنامه‌نگار

من شرط می‌بندم که دعوای هسته ای آمریکا – ایران حل نخواهد شد تحریم برای عده‌ای سود دارد، برجام در ایران به نتیجه نمی‌رسد، کاسبان تحریم شبکه شده‌اند، اجازه رفع تحریم نخواهند داد. نه تحریم حل خواهد شد، نه گفتگو با جهان به نتیجه خواهد رسید چون شبکه‌ای که کاسبان تحریم تشکیل داده‌اند از این وضعیت نفع می‌برند. اگر تحریم‌ها برداشته شود، دیگر نیروی انتظامی و ارتش و۰۰۰ نمی‌توانند نفت بفروشند، باید وزارت نفت، نفت بفروشد. خریدار باید مشخص باشد، در این صورت تکلیف واسطه‌ها و دلالان و پورسانت‌ها و... چه خواهد شد؟ با شیوه فعلی حکمرانی و عدم شفافیت موجود، به بهانه جنگ، به بهانه تحریم، به بهانه نیابتی، فساد باقی خواهد ماند، اصلاح هم نخواهد شد.

ده‌ها کشتی منتظر اجازه ایران برای عبور از تنگه هرمز هستند

خبرنگار شبکه المیادین از انتظار ده‌ها فروند کشتی و نفتکش برای دریافت مجوز از سمت ایران برای عبور از تنگه هرمز خبر داد.

خبرنگار شبکه المیادین با حضور در تنگه هرمز گزارش داد، ده ها کشتی و نفتکش در عمق تنگه هرمز مستقر بوده و منتظر دریافت مجوز از سوی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای عبور هستند.

وی بیان کرد: بر اساس مذاکرات جاری میان ایران و عمان مسیر جنوبی لغو خواهد شد. تمام نفتکش ها باید با نیروی دریایی سپاه هماهنگ باشند. اکثر کشتی ها از مسیر ایران در جریان عبور از تنگه هرمز استفاده کردند.

مرکز عملیات تجارت دریایی انگلیس به تازگی در گزارشی اعلام کرد که تنها ۱۵۱ فروند کشتی در مدت هفت روز، به صورت ورود یا خروج، از تنگه هرمز عبور کرده‌اند.

بر اساس این گزارش از زمان آغاز جنگ افروزی آمریکا علیه ایران در ۲۸ فوریه، ٥٦ گزارش درباره آسیب دیدن کشتی‌ها در تنگه هرمز و آب‌های مجاور آن ثبت شده است. البته این آمار شامل دو حمله اخیر نمی‌شود.

بر اساس این گزارش، کریدور جنوبی تنگه هرمز در سواحل عمان که آمریکا آن را به عنوان گذرگاه موقت جایگزین برای عبور از تنگه معرفی کرده است، همچنان پرخطرترین منطقه عبور محسوب می‌شود؛ چرا که از مجموع ۱۸ حادثه حمله با پرتابه‌ها که مرکز مذکور از ٦ ژوئیه گزارش کرده، ١٦ مورد در این مسیر رخ داده است.

نکته حائز اهمیت ترتیبات تنگه هرمز این است که درست طبق گفته مسئولان ایرانی هیچ عبوری برای کشتی‌های حامل پرچم آمریکا ثبت نشده است. بیشترین نوع کشتی‌های عبوری نیز نفتکش‌های حامل فرآورده‌های نفتی بودند که معمولاً مشتقات پالایش‌شده نفت را حمل می‌کنند.

به روابط با روسیه افتخار می‌کنم



رهبر کره شمالی در پاسخ به پیام رئیس جمهور روسیه گفت که به روابط کره شمالی با روسیه افتخار می‌کند.

به گزارش از تاس، خبرگزاری مرکزی کره گزارش داد که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی در پاسخ به پیام تبریک ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به مناسبت هشتاد و یکمین سالگرد آزادی کره شمالی از اشغال ژاپن، به نقش سربازان ارتش سرخ شوروی اشاره کرد.

او گفت: تاریخ مقدس آزادی مردم ما، یادآور اعمال درخشان سربازان ارتش سرخ است که شجاعانه علیه دشمنان مشترک ما جنگیدند.

کیم جونگ اون گفت که به روابط کره شمالی با روسیه افتخار می‌کند؛ روابطی که تاریخ مبارزات مشترک برای عدالت و سنت ارزشمند دوستی را حفظ کرده و در عین حال پایه محکمی برای آینده‌ای روشن‌تر برای روابط دو جانبه فراهم می‌کند.

رهبر کره شمالی ابراز اطمینان کرد که تحت رهبری رئیس جمهور پوتین، ارتش و مردم روسیه از حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی کشورشان دفاع کرده و روسیه‌ای قدرتمند خواهند ساخت. کیم جونگ اون برای ولادیمیر پوتین آرزوی سلامتی و موفقیت در کارش کرد.